



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.21422.2439

Critical Analysis of Interpretative Narratives Indicating the Examples of the Chosen Heirs of the Holy Quran

Fatemeh Ahmadi¹
Ali Hasanbeigi^{2*}

Abstract

The discussion about the heirs of the Book and the necessity of adhering to the explanatory tradition of the Prophet (PBUH) in understanding this noble scripture requires a logical structure. This is established in verses 31-33 of Surah Fatir, which serve as the Qur'anic foundation for the theological concept of inheritance. According to the apparent meanings of these verses, the inheritance of the Qur'an has been granted to a specific group of servants. Regarding the identification of the chosen heirs, there are different approaches among Islamic sects. Specifically, the majority of Ahl al-Sunnah consider the heirs to be the generality of the Prophets, while the Shiites attribute this designation specifically to the Imam (AS). Many of these views are influenced by theological perspectives and attention to the interpretive narrations found in the narrative-exegetical sources concerning verse 32 of Surah Fatir. Therefore, this research, considering the role of interpretive narrations in accurately understanding the meanings of the verses, seeks to examine the question of which of the two approaches regarding the inheritance of the Qur'an is supported by the evaluation of the interpretive narrations from both sects. This writing aims to address the gap in studies related to the analysis of interpretive narrations under verse 32 of Fatir, evaluating the existing propositions in the sources of both sects based on the criteria of hadith criticism. Through a descriptive-analytical method, it concludes that the narrations indicating the generality of heirs do not possess sufficient authenticity and implication. Despite the weaknesses in the chains of narrations suggesting the exclusivity of inheritance pertaining to the Ahl al-Bayt, the verses, narrations, and rational certainties collectively provide grounds for accepting the second-category narrations.

Keyword

The Chosen Heirs of the Qur'an, Comparative Study, Criticism of Hadith, Interpretive Narratives, Verse Fatir: 32.

Article Type: Research

1. PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran.

Email: ahmadi.fatemeh2030@gmail.com

2. Responsible Author, Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran. Email: a-hasanbagi@araku.ac.ir

Received on: 05/01/2025 Accepted on: 18/02/2025

Copyright © 2025, Ahmadi & Hasanbeigi

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۲۴۱۷

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.21422.2439

تحلیل انتقادی روایات تفسیری بیانگر مصادیق وارثان برگزیده قرآن کریم

فاطمہ احمدی^۱
علی حسن بیگی^۲

چکیده

بحث از وارثان کتاب و لزوم تبعیت از سنت تبیینی پیامبر (ص) در شناخت این مصحف شریف، نیازمند ساختاری منطقی است؛ که در خلال آیات ۳۳-۳۱ سوره فاطر، به مثابه خاستگاه قرآنی آموزه کلامی وراثت، زمینه‌سازی شده است. بر طبق مفاد ظاهری این آیات، شناخت قرآن و وراثت آن، به گروه خاصی از بندگان تفویض شده است. در باب تعیین مصادیق وارثان برگزیده، میان مذاهب اسلامی، رویکردهای متقابلی به چشم می‌خورد؛ بدین معنا که عموم اهل تسنن مصادیق وارثان را، جمهور امت و بزرگان شیعه نیز به امام (ع) تخصیص داده‌اند. اغلب این آراء متأثر از دیدگاه‌های کلامی و توجه به روایات تأویلی موجود در منابع روایی-تفسیری فریقین ذیل آیه ۳۲ سوره فاطر می‌باشد؛ لذا پژوهش حاضر با نظر به نقش روایات تفسیری در فهم صحیح مدالیل آیات، به دنبال بررسی این پرسش است که ارزیابی روایات تفسیری فریقین، ناظر به وراثت قرآن، کدام یک از دورویکرد را تأیید می‌کند؟ این نوشتار در راستای رفع خلاء مطالعاتی پیرامون تحلیل روایات تفسیری ذیل آیه ۳۲ فاطر، گزاره‌های موجود در مصادر فریقین را، با تکیه بر ضوابط نقد الحدیث ارزیابی نموده و با کار بست روش توصیفی-تحلیلی بدین برآیند رسید، که روایات دال بر پنداره عمومیت وارثان، به لحاظ اسنادی و دلالتی از اتقان کافی برخوردار نبوده و با وجود خلدشه‌هایی در اسناد روایات ناظر به انحصاری بودن وراثت در شأن عترت نبوی؛ اما آیات، روایات و مسلمات عقلی، جملگی موجبات پذیرش روایات دسته دوم را فراهم آورده است.

کلیدواژه‌ها

وارثان برگزیده قرآن، مطالعه تطبیقی، نقد الحدیث، روایات تفسیری، آیه (فاطر: ۳۲).

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک، اراک، ایران.
ahmadi.fatemeh2030@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول). a-hasanbagi@araku.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

دستیابی به منظومه معرفتی قرآن کریم و بهره‌مندی از آن به مثابه آخرین کتاب هدایت‌بخش (الاعراف: ۲۰۳)، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود، که ارجاع به آن، تنها از مسیر اهل بیت (ع) صورت پذیرد؛ زیرا بنابر نص صریح آیات قرآن کریم، عترت نبوی مصادیقی هستند که با ویژگی مصونیت از خطا (الاحزاب: ۳۳؛ البقره: ۱۲۴)، مخاطب اصلی ترجمان واقعی و وارثان برگزیده قرآن کریم به شمار می‌روند (فاطر: ۳۲). به بیان دیگر، فراوانی آیاتی از جمله مدلول آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (همان)، در باب اصل انحصار دستیابی به معانی ژرف آیات وحیانی به اهل بیت (ع)، خود بهترین گواه بر مدعای فوق است؛ اما نکته قابل تأمل آن‌که با وجود گستره آیات و روایات، به مثابه مؤیدات این موضوع، می‌توان اختلاف نظر مفسران فریقین، ذیل تفسیر آیه مورد بحث را شاهد بود، که این مطلب به وضوح از چالشی بودن فهم فرازهای مختلف آیه و تعیین مصادیق تعبیر «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» حکایت می‌کند.

به طور کلی، اختلاف آراء پیرامون مصداق وارثان برگزیده در میان مذاهب اسلامی را می‌توان، به دو رویکرد جامع تقسیم نمود. گروه نخست، مفسران عامه را دربرمی‌گیرد که با نظر به روایات تفسیری صحابه و تابعین ذیل آیه، برداشت‌های شخصی و ظهور عموم واژگان آیه، در مواردی نظرات متفاوتی را بیان نموده و معتقدند که مقصود از وارثان کتاب، پیامبران الهی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲: ۲۳۸)، امت اسلامی (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۸: ۱۰۷)، علمای امت (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۶: ۴۸۴-۴۸۵) و ... هستند.

در مقابل این دیدگاه می‌توان، رویکرد امامیه که به نحوی برگرفته از آراء اهل بیت (ع) است را اقامه نمود. ایشان معتقدند که سنت پیامبر (ص) از طریق امر وراثت به عترت نبوی انتقال یافته است؛ بر این اساس در اختصاص جایگاه وارثان برگزیده قرآن در شأن انمه اطهار (ع) اتفاق نظر دارند (طوسی، بی‌تا، ۸: ۴۲۹؛ حسکانی، بی‌تا، ۲: ۱۵۵ و ۱۵۸؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۲۰: ۳۳۶). تأیید این ادله را نیز می‌توان در آیات قرآن، روایات نبوی (حدیث ثقلین)، مسلمات عقلی و... پی‌جویی نمود. باید دانست که تعدد آراء و بروز اختلافات موجود در تفسیر آیه، اغلب منوط به توجه مفسران فریقین بر روایات تفسیری ذیل آیه است. بر این اساس از جمله مهم‌ترین اهداف و کاربردهای پژوهش حاضر، اعتبارسنجی گزاره‌های تفسیری موجود در جوامع روایی و تفسیری فریقین، ذیل آیه ۳۲ سوره فاطر و تعیین مصداق صحیح وارثان کتاب می‌باشد؛ لذا این نوشتار در تلاش است

تا از طریق بازخوانی منابع روایی - تفسیری و بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی به مثابه شیوه‌ای از انواع روش‌های پژوهش که محقق، به توصیف وضعیت مسئله موجود و علت‌های چگونگی ایجاد مسائل موضوع مورد هدف می‌پردازد (خنifer، ۱۳۸۶ ش، ۱۲۵ و ۱۴۰-۱۴۱)؛ به نقش روایات تفسیری در فهم صحیح مدالیل آیات پرداخته و از این ره‌گذار به این پرسش اساسی پاسخ دهد، که ارزیابی روایات تفسیری فریقین، ناظر به وراثت قرآن کریم، کدامین مصداق از وارثان را تأیید می‌کند؟

پیرامون ارزیابی و بررسی آموزه وراثت کتاب در قرآن کریم، تاکنون آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است که از این میان می‌توان به مقاله «وارثان برگزیده از دیدگاه قرآن کریم» تالیف سیدمجتبی ملکی و «نقد دیدگاه مفسران عامه در وارثان برگزیده قرآن کریم» نوشته عزت‌الله مولایی‌نیا، اشاره نمود. مؤلفان در این آثار ضمن تحلیل نظریات مفسران عامه درباره وارثان کتاب، با تکیه بر مستندات و سایر قرائن پیرامونی، رویکرد اغلب قرآن‌پژوهان عامه، در تعیین مصداق «الَّذِينَ...» را به امت اسلامی نفی و با اقامه دلایل استوار عقلی، نظریه قاطبه امامیه و بسیاری از نخبگان عامه، مبنی بر مصادیق آیه بر عترت طاهره (ع) را اثبات نموده‌اند (ملکی، ۱۳۹۸ ش، ۱۲۷-۱۴۲؛ مولائی‌نیا، ۱۴۰۱ ش، ۱۱۳-۱۳۰).

«بررسی دو نظریه درباره «وارثان برگزیده قرآن» (با تأکید بر احادیث امامیه)» از علی‌راد و کاظم قاضی‌زاده، اثر دیگری است که هدف اصلی نویسندگان در این پژوهش، بازکاوی نظریات پیرامون وارثان برگزیده از منظر روایات امامیه می‌باشد. ایشان افزون بر اثبات ضرورت وراثت کتاب و سنت برای عترت نبوی از راه براهین عقلی موجود در نظام فکری متکلمان امامیه و نیز تبیین شاخصه‌های متعدد در روایات تفسیرگر آیه وراثت کتاب، تحلیل نموده‌اند که از نگاه اهل بیت (ع)، انگاره عمومیت وارثان برگزیده، به سبب عدم تناسب با فراز پایانی آیه مذکور، تشکیک افراد امت اسلامی در دستیابی به مقام وراثت و نیز وجود اقوال متعارض از میان امت اسلامی، با اشکالات متعددی مواجه است (راد و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰ ش، ۸۷-۱۱۱).

منبع دیگر در این زمینه، پایان‌نامه‌ای است با عنوان «معناشناسی ظالم لنفسه، مقتصد، سابق بالخیرات در قرآن و روایات» نوشته رقیه عبدالله‌زاده و راهنمایی امیر توحیدی و نیز مقاله «بررسی تطبیقی محورهای چالشی آیه «وارثان کتاب» با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی» از سیدحسین شفیعی و نادره رحیمی‌نژاد. مؤلفان این آثار نیز با اصل قرار دادن این پرسش مبنی بر تحلیل تطبیقی از فرازهای چالشی آیه

با محوریت معناشناسی واژگان، بدین برآیند دست یافته‌اند که مقصود از «کتاب»، قرآن کریم و مراد از «وارثان کتاب»، «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» هستند که خود بر سه طایفه‌ی «ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ»، «مُقْتَصِدٌ» و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» تقسیم می‌شوند. «ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ» افراد غیر عارف به امام و «مُقْتَصِدٌ» آگاه به حق امام و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» پیشگامانی هستند که همواره بر محوریت اراده الهی در حرکت‌اند. آنان مراتب کمال انسانی را به عافیت طی نموده و به مرحله امامت متقین نائل گشته‌اند؛ لذا ائمه اطهار (ع) مصداق تام «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» بوده و بالاصاله وارثان برگزیده قرآن‌اند (عبدالله‌زاده، ۱۳۹۰ش، ۱۳؛ شفیع‌ی و رحیمی‌نژاد، ۱۴۰۱ش، ۱۸۴-۲۰۳).

پایان‌نامه «بررسی تطبیقی آموزه وراثت کتاب در قرآن از منظر تفاسیر فریقین با تکیه بر سیر تاریخی» تألیف نادر محسنی و راهنمایی عبدالهادی مسعودی و نیز مقاله «مطالعه تطبیقی تفسیر آیه ۳۲ سوره مبارکه فاطر از منظر تفسیر المیزان و تفسیر التحرير والتنویر» اثر آذرمان صادقی، نمونه دیگری است که بر محوریت تفسیر مقارن از آیه ۳۲ سوره فاطر در مصادر تفسیری فریقین شکل گرفته است (محسنی، ۱۳۹۷ش، سراسر اثر؛ صادقی، ۱۴۰۲ش، سراسر اثر).

در یک برآیند کلی از بیان آثار مرتبط با پژوهش حاضر می‌توان گفت که تحقیقات نام برده، جملگی تألیفاتی است که به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مفسران فریقین ذیل تفسیر آیه مورد بحث، بدون نظر داشت بر قواعد نقد روایات تفسیری نظیر رجال‌شناسی اسناد - در قسم تحلیل سندی - و عدم مخالفت روایات با قرآن، سنت قطعی، مسلمات عقلی و ... - در بخش تحلیل دلالی - پرداخته‌اند. بر این اساس، تذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر با نظر به شیوه توصیفی - تحلیلی و در راستای تعیین مصداق تام وارثان کتاب، روایات تفسیری موجود در منابع روایی - تفسیری فریقین ذیل آیه ۳۲ سوره فاطر را، با عنایت بر نقش روایات تفسیری در فهم صحیح مدالیل آیات - درست بر خلاف تألیفات نام برده، - مستقلاً ارزیابی نموده است.

۲. تبیین مفاهیم محوری پژوهش

جهت دستیابی به تحلیلی روشن از نظریات واژه‌پژوهی فریقین پیرامون آیه مورد بحث، تبیین زوایای پنهان موجود در معانی ژرف آیه و نیز یافتن پاسخ این پرسش که مصادیق تام وارثان برگزیده کتاب چه کسانی هستند، لازم است در ابتدا از باب مقدمه به مفهوم‌شناسی واژگان محوری آیه در پژوهش حاضر پرداخته شود.

۲-۱. مفهوم‌شناسی «أَوْرَثْنَا»

واژه «أَوْرَثْنَا» مشتق از ماده «ورث» به معنای: ابقاء چیزی برای قوم و انتقال آن به شخص یا اشخاص دیگری از طریق روابط نسبی یا سببی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۲۳۴). صاحب مفردات نیز می‌نویسد: «وراثت» یعنی جابه‌جایی چیزی از دیگری به شخص، بدون انعقاد قرارداد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۶۳). برخی از مفسران معتقدند که واژه «أَوْرَثْنَا» در آیه شریفه، به معنای «أَعْطَيْنَا» آمده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۸۹۴) و این تعبیر اشاره بدین نکته دارد که در میراث، همان‌گونه که بیگانگان را نصیبی نیست، در ارث بردن از قرآن کریم نیز، جایی برای بیگانگان امت - کافران، منافقان و ... - نخواهد بود. از سوی دیگر، همان‌گونه که شخص وارث بدون طلب، مالک میراث می‌شود، قرآن کریم نیز بدون درخواست مؤمنین و با استعانت الهی از طریق ملک وحی، بر آنان نازل می‌گردد (اشکوری، ۱۳۷۳ش، ۳: ۷۲۰).

شیخ طوسی و به تبع ایشان مرحوم طبرسی، صحیح‌ترین قول در معناشناسی «ارث» را، «إِنْتِهَاءُ الْحُكْمِ إِلَيْهِ وَ مَصِيرُهُ لَهُمْ» دانسته و به منظور تقویت این گفتار به آیه «و تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا» (الزخرف: ۷۲) استناد نموده‌اند (طوسی، بی‌تا، ۸: ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۸: ۶۳۷). صاحب تفسیر تسنیم نیز در معناشناسی «ارث»، دو مفهوم «جابه‌جایی چیزی از طریق وراثت» و «سرانجام کار» را بیان نموده و در معنای «أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ» می‌نویسد: مراد از این تعبیر «تنها آن نیست که از کسی به شما چیزی رسیده باشد؛ بلکه مراد این است که پایان کار شما چنین است» (جوادی آملی، بی‌تا، ۶۸: ۱۹۵).

۲-۲. مفهوم‌شناسی «الْكِتَابَ»

غالب مفسران فریقین، با نظر به نص آیه - عهد بودن الف و لام - و سیاق متنی آن، مراد از «الْكِتَابَ» در آیه شریفه را، «قرآن کریم» دانسته (طوسی، بی‌تا، ۸: ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۸: ۶۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۷: ۴۵؛ جوادی آملی، بی‌تا، ۶۸: ۱۹۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۳۶۶-۳۶۷) و با اقامه دو دلیل، بر تقویت رویکرد خود افزوده‌اند؛ نخست، مکتوب بودن قرآن در لوح محفوظ و دوم، عدم نزول قرآن در قالب الواح و صفحات مکتوب و نگارش قرآن از طریق کاتبان، به محض تلقی آیات از سوی رسول اکرم (ص) (جوادی آملی، بی‌تا، ۶۸: ۱۹۳). این در حالی است که برخی از مفسران، با جنس دانستن الف و لام، مقصود از «الْكِتَابَ» را مطلق کتب آسمانی می‌دانند (سیوطی، بی‌تا، ۵: ۲۵۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۲۶: ۲۳۷-۲۳۸).

بر این اساس، با نظر به مجموع مطالب بیان شده ذیل دو واژه «أَوْرَثْنَا» و «الْكِتَابَ»، می‌توان چنین بیان نمود که، بر طبق اصل حجیت مدلول ظاهری آیات (اصاله الظهور)، سیاق متنی و عهد بودن الف و لام در الْكِتَابَ، مقصود از تعبیر «أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ»، انتقال قرآن به گروهی با ویژگی‌های منحصر به فردی است که در آن تسلط و وصایت لحاظ شود؛ لذا تعمیم الْكِتَابَ به تورات و یا مطلق کتاب (کتب) آسمانی نازل شده بر اسلاف از انبیاء، به سبب مخالفت با سیاق آیات، اصالت ظهور و دلالت منطوقی آیه، نادرست خواهد بود.

۲-۳. مفهوم‌شناسی «إِصْطَفَاءَ»

این اصطلاح برگرفته از ماده «صفو» و به خالص‌ترین هر چیزی معنا شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۱۶۳-۱۶۲). برخی از مفسران (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۷: ۴۵؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ۱۶: ۱۰۷-۱۰۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۵۴۵-۵۵۰) نیز این معنا از اصطفاء را پذیرفته و با عطف «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ» به «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ» این‌گونه نتیجه گرفته‌اند، که همان امتیازاتی که خداوند به وجود آن‌ها در ضمیر رسولش (ص) آگاه است، در نهاد وارثان برگزیده کتاب نیز حضور داشته؛ زیرا آن‌چه مصالح یک امت و زمینه‌های بقا و قیام آن را تأمین می‌سازد، عرضه نسخه‌ای تمام و کمال از وجود پیامبر اکرم (ص) است. آیت‌الله جوادی آملی، مفهوم اصطفاء در آیه ۳۲ سوره فاطر را، نه از سنخ برگزیدگی پیامبران؛ بلکه از صنف اصطفا‌ی امت اسلام می‌داند (جوادی آملی، بی‌تا، ۶۸: ۱۹۳). همچنین در پژوهش حاضر، پیرامون مفهوم‌شناسی تعبیر «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» و تعیین صحیح‌ترین مصداق از میان دیدگاه‌های مطرح شده در مصادر روایی و تفسیری فریقین توضیحاتی مبسوط در ادامه مطالب، بیان شده است؛ لذا از طرح جداگانه این محور صرف‌نظر می‌شود.

۳. بسامد روایات تفسیری وارثان برگزیده قرآن، در مهم‌ترین مصادر تفسیری و روایی فریقین آن‌گونه که بیان گردید، در آیه ۳۲ سوره فاطر، به وارثان برگزیده قرآن کریم اشاره شده است. پیرامون تفسیر آیه مذکور و تعیین مصداق موجود در تعبیر «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا»، روایات تفسیری گوناگون و در مواردی متناقض در منابع تفسیری و روایی فریقین گزارش شده است که در مجموع، این روایات را می‌توان به دو نظریه عمده تقسیم نمود: الف) روایات دال بر عمومیت وارثان برگزیده قرآن کریم ب) روایات ناظر به اختصاص

انحصاری وارثان برگزیده بر عترت پیامبر اکرم (ص). بر این اساس، در بخش حاضر، روایات تفسیری ارزیابی خواهد شد که به نحوی گویای این تقسیم دوگانه باشد.

گفتنی است، با جست‌وجو در طیف وسیعی از مصادر روایی و تفسیری فریقین، ذیل روایات دال بر عمومیت وارثان و انطباق انحصاری «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» بر عترت پیامبر (ص)، به ترتیب ۱۸ و ۲۶ روایت شناسایی شده است که تعابیر «... فِي قَوْلِهِ {ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا} قَالَ: هُمْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ...» (سیوطی، بی تا، ۷: ۲۳) و «... وَالسَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۱۴)، ساده‌ترین قالب نقل روایات است که نمودی از آن را می‌توان در طیف وسیعی از متون حدیثی و تفسیری فریقین، آن هم با اختلافات متنی اندک مشاهده نمود. لازم به ذکر است که صاحب المیزان به مانند جمهور مفسران اهل تسنن و درست بر خلاف آراء بزرگان شیعه، مراد از «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» را، عموم انبیاء، امت محمد (ص) و ... دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۷: ۴۴-۴۶).

حال آن‌که، صاحب شواهد التنزیل، با ذکر دو طریق، مصداق وارثان را، اهل بیت پیامبر (ص) معرفی می‌کند (حسکانی، بی تا، ۲: ۱۵۵ و ۱۵۸). از سوی دیگر، نحوه انعکاس روایات در منابع نیز، نکته درخور تأملی است. توضیح آن‌که، ورود گزاره‌های مورد بحث در مصادر روایی - تفسیری فریقین، به سه شیوه تقسیم می‌گردد. نخست، آن‌که راوی روایت را با سند متصل از معصوم (ع) نقل نماید که درایه‌نگاران از آن با عنوان «حدیث مسند» یاد کرده‌اند. در مواردی نیز روایاتی موجود است که یا فاقد سنداند و یا آن‌که راوی، روایت را با طریق ناقص از معصوم (ع) ذکر کرده باشد، که تحلیل سندی روایات در دو شیوه اخیر، به سبب فقدان سند و یا گسست زنجیره راویان، امکان‌پذیر نخواهد بود و این مطلب خود مؤید بر ضعف سندی روایات می‌باشد. از این روی، ضروری می‌نماید به منظور تبیین دقیق‌تر از فضای سیر تطور روایت، به تحلیل آن در دو دسته اصلی، مستقل از یک‌دیگر اقدام گردد.

۳-۱. روایات دسته نخست

این گروه، شامل روایاتی است - به ویژه در مصادر اهل سنت - که به نحوی رویکرد تعمیم وارثان، بر عموم انبیاء، مومنین، علما، امت اسلامی و ... را بیان می‌کند. برای نمونه در المسند و جامع البیان فی تفسیر القرآن به مثابه نخستین مصادر روایی - تفسیری درج روایت، به ترتیب گزاره‌های «حَدَّثَنَا عُقْبَةُ بْنُ صُهْبَانَ الْهَنْائِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: {ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا} [فاطر: ۳۲] الْآيَةَ،

فَقَالَتْ لِي: «يَا بَنِي كُلُّ هَؤُلَاءِ فِي الْحَجَّةِ فَأَمَّا السَّابِقُ إِلَى الْخَيْرَاتِ فَمَنْ مَضَى عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَهِدَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَيَاةِ وَالرِّزْقِ، وَأَمَّا الْمُقْتَصِدُ فَمَنْ تَبَعَ أَثَرَهُ مِنْ [۹۳] - أَصْحَابِهِ حَتَّى لَحِقَ بِهِ ...»^۱ (طباطبائی، ۱۴۱۹ق، ۳: ۹۲ و ۶۸۱؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۸: ۲۷۰؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۵: ۳۶۳)؛ و «ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ بْنِ تَوْفَلٍ، قَالَ: ثَنَا كَعْبُ الْأَخْبَارِ «أَنَّ الظَّالِمَ، لِنَفْسِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَالْمُقْتَصِدُ، وَالسَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ: كُلُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ ...»^۲ (طبری، بی تا، ۱۹: ۳۶۸-۳۷۱؛ رازی، بی تا، ۱۰: ۴۳؛ سمرقندی، بی تا، ۳: ۱۰۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۸: ۱۰۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۳: ۶۹۵-۶۹۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۶: ۴۸۴-۴۸۵؛ سیوطی، بی تا، ۷: ۲۳-۲۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۷: ۴۴-۴۶)، قابل مشاهده است، که هر سه دسته «ظالم لِنَفْسِهِ»، «مُقْتَصِدٌ» و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» از میان امت اسلامی و ... جملگی وارثان برگزیده قرآن و داخل در بهشت‌اند.

به تعبیر دیگر، عموم پیامبران - با احتساب جنس کتب آسمانی - یا علمای امت - همچون عترت پیامبر (ص) با نظر به آن‌که مراد از کتاب در جمله «أَوْزُنَا الْكِتَابَ»، قرآن کریم باشد - از مصادیق وارثان برگزیده خواهند بود؛ لذا وصف وارث قرآن، منحصر در عترت نبوی نبوده و آیه نیز بر موضوع امامت، نظر نخواهد داشت. لازم به ذکر است که صاحب المیزان، مراد از «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» را، امت محمد (ص) و ... دانسته و می‌فرماید: «... وَ اخْتَلَفَ فَيَاوُزُنَا فَقِيلَ: هُوَ عَلَى ظَاهِرِهِ، وَقِيلَ: مَعْنَاهُ حَكَمْنَا بِإِبْرَائِيهِ وَقَدَرْنَا، وَ اخْتَلَفَ فَيَا الْكِتَابَ فَقِيلَ: الْمُرَادُ بِهِ الْقُرْآنُ، وَقِيلَ: جِنْسُ الْكُتُبِ السَّمَاءِيَّةِ، وَ اخْتَلَفَ فِي الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا فَقِيلَ: الْمُرَادُ بِهِمُ الْأَنْبِيَاءُ، وَقِيلَ: بَنُو إِسْرَائِيلَ، وَقِيلَ: أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ، وَقِيلَ: الْعُلَمَاءُ مِنْهُمْ، وَقِيلَ: ذُرِّيَّةُ النَّبِيِّ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَام ...»^۳ (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۷: ۴۴-۴۶)؛

۱. عقبه بن صهبان می‌گوید: از عایشه در مورد آیه شریفه «این کتاب را به آن بندگانمان که بر دیگر امت‌ها برگزیدیم به ارث دادیم» (الفاطر: ۳۲) پرسیدم. او در پاسخ گوید: ای پسر، همه آنان در بهشت مستقرند. پس سابق الی الخیرات کسی است که در عهد رسول خدا (ص) درگذشته و ایشان نیز بر حیات و رزق او شهادت داده است و اما مقتصد آن دسته از صحابی هستند که از پیامبر (ص) تبعیت کردند تا این‌که به ایشان پیوستند

۲. ابن حارث می‌گوید: کعب الأخبار این‌گونه برای ما نقل حدیث کرده است که ظالم لِنَفْسِهِ گروهی از این امت‌اند و مقتصد و سابق بالخیرات که همه آنان در بهشت مستقر هستند.

۳. در معنای تعبیر اورثا اختلاف کرده‌اند برخی این‌گونه گفته‌اند که مقصود، معنای ظاهری جمله است. برخی دیگر می‌گویند معنایش آن است که حکم کردیم و مقدر نمودیم به این‌که کتاب به آنان ارث برسد و همچنین در معنای کتاب اختلاف کرده‌اند. بعضی گفته‌اند مراد از آن، قرآن کریم است. برخی دیگر جنس کتاب‌های آسمانی و همه آن‌ها را کتاب دانسته‌اند. و در معنای عبارت الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا اختلاف کرده‌اند. بعضی انبیاء (ع) را مصداق الَّذِينَ دانسته‌اند و برخی دیگر بنی اسرائیل را. عده‌ای نیز مراد از آن را امت محمد (ص) و علمای از آنان می‌دانند و سایرین نیز نسل رسول اکرم (ص) از فرزندان حضرت فاطمه (س) را مصداق این جمله دانسته‌اند.

لذا توافق طیف بسیاری از مفسران اهل سنت و در مواردی اندیشوران شیعی، ذیل رویکرد نخست، مبنی بر عمومیت وارثان برگزیده قرآن را، می توان از درج یا انعکاس مستندات نقلی در گفتار و تالیفات ایشان، بازجست. پاره ای ازادله آنان در پذیرش رویکرد عمومیت، عبارت است از:

الف- برتری امت اسلام، به سبب توصیف آنان به امتی، معتدل و میانه رو از سوی خداوند متعال (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۲: ۱۶۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۳۶۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۱۲)؛ که لازمه آن، تساوی همه مسلمانان در مراتب ایمان و پابندی آنان به انجام دستورات دینی است، حال آن که چنین تساوی مفروض نخواهد بود؛ لذا باورمندان بر این رویکرد، از «اصطفی» معنای «اختیار» را اراده نموده اند.

ب- ابن عاشور معتقد است که واژه «اصطفی» درجات متفاوتی را شامل می شود اعم از، «ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ»، «مُقْتَصِدٌ» و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ»؛ لذا دسته نخست، به قدر اندک تسلیم در برابر دین، داخل در گروه برگزیدگان شده و ملاک گزینش نیز، التزام آنان به اسلام و ایمان به آن است (۱۴۲۰ق، ۲۲: ۱۶۴).

ج- صاحب تفسیر القرآن العظیم نیز با استناد بر آیاتی چند نظیر، «إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (الانبیاء: ۸۷)، «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي» (القصص: ۱۶) و «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا» (الاعراف: ۲۳) معتقد است که واژه ظلم در آیه، به ترک اولی معنا شده همان گونه که با نظر بر آیات مذکور، این مفهوم از ظلم در مورد حضرت یونس (ع)، موسی (ع) و آدم و حوا (ع) نیز متصور است (بی تا، ۲۶: ۲۳۹؛ نک: ملکی، ۱۳۹۸ش، ۱۳۲-۱۳۰).

۲-۳. روایات دسته دوم

این دسته از روایات، به لحاظ برخورداری از تشابهات متنی، در غالب مصادر روایی-تفسیری شیعه و پاره ای از منابع اهل سنت، عنوان می کند: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ- عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ قَالَ: السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ، الْإِمَامُ...» (صفار، ۱۴۰۴ق، ۴۴-۴۵؛ کوفی، ۱۴۱۰ق، ۱۴۵ و ۳۴۸؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۰۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۱۴-۲۱۵؛ مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱: ۲۳؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۲۲۸؛ همو، ۱۴۰۳ق، ۱۰۵-۱۰۴؛ طوسی، بی تا، ۸: ۴۲۹؛ حسکانی، بی تا، ۲: ۱۵۵ و ۱۵۸؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۲۰: ۳۳۶؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ۱۶: ۱۱۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۳: ۵۳۶-۵۳۵؛ بحرانی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱: ۴۳۸ و ۳: ۴۴۰؛ مغنیه، ۱۴۲۵ق، ۵۷۶). شمار بسیاری از مفسران شیعی با

عنایت به دیدگاه ائمه اطهار (ع) در این مورد، مقصود از تعبیر «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» را عترت پیامبر (ص) دانسته و برخورداری امامان (ع) از مقام عصمت را یگانه علت و اعتبار این نظر تلقی می‌کنند. مهم‌ترین ادله آنان در پذیرش این رویکرد عبارت است از:

الف- واژه «اصطفی» به گزینش شخص یا چیزی که خالی از هرگونه نواقص باشد، معنا شده است؛ لذا این وصف را تنها می‌توان در اهل بیت (ع) به موجب ویژگی عصمت بازجست. همانان که خداوند متعال با علم به امتیازات ظاهری و باطنی شان، برگزید.

ب- ترکیب اضافی «عباد» به ضمیر متصل «نا» از باب شرافت است؛ زیرا عباد گروه خاصی از مسلمانان را دربرمی‌گیرد که دسته وارثان قرآن کریم، داخل در بندگان برگزیده خداوند هستند.

ج- از جمله ویژگی‌های قرآن کریم، وجود وصفی از خداوند متعال در ذیل آیه است که به نحوی مفاد صدر و یا مجموع آیه را تقویت می‌کند. مانند آن‌که وصف شدیدالعقاب، در مقابل موضوع إعراض و رویگردانی مطرح می‌شود. در آیه مورد بحث نیز، در صورتی که وصف فضل کبیر در مقابل ورود ظالمان به بهشت مطرح شود، شایسته‌تر آن بود که از تعبیر «غفران» در محل «فضل» استفاده می‌شد؛ زیرا موضوعاتی نظیر گزینش، وارث بودن، سبقت در نیکی‌ها و ... از بیشترین تناسب معنایی با صفت فضل برخوردار می‌باشد.

د- جنبه راهبری وارثان قرآن کریم هنگامی تکامل می‌یابد، که آنان ضمن بهره‌مندی از ویژگی عصمت، بر تمام احکام- اعم از معارف جزئی، کلی، ظاهری و باطنی آن- نیز واقف باشند؛ لذا تمامی عوامل مذکور را می‌توان در شخص معصوم (ع) بازجست (نک: ملکی، ۱۳۹۸ش، ۱۳۲-۱۳۷).

با نظر به مطالب مورد بحث، اولین ورود روایات موجود در دسته نخست- انگاره عمومیت- به لحاظ تقدم و تأخر زمانی از میان منابع روایی- تفسیری اهل سنت، می‌توان به المسندطیالسی (م. ۲۰۴ق) و جامع البیان طبری (م. ۳۱۰ق) (نک: ۱۴۱۹ق، ۳: ۹۲ و ۶۸۱؛ بی‌تا، ۱۹: ۳۶۸-۳۷۱) اشاره نمود. این در حالی است که در هیچ‌یک از مصادر مقدم شیعه، اثری از آن قابل دریافت نبوده و برخی همچون علامه طباطبایی در فرازی از بیانات خویش، نظری مشابه با روایات تفسیری این دسته را، بیان نموده‌اند (نک: ۱۳۹۰ق، ۱۷: ۴۴-۴۶). از سوی دیگر، ورود روایات دسته دوم- اختصاص انحصاری وراثت قرآن بر عترت نبوی- نیز به تفکیک مصادر (کلامی، تفسیری و روایی) و با لحاظ تقدیم و تأخیر زمان تألیف آن‌ها، به ترتیب در بصائرالدرجات صفار (م. ۲۹۰) (نک: ۱۴۰۴ق،

۴۵-۴۴)، فرات الکوفی (م. ۳۰۷ ق) (نک: ۱۴۱۰ ق، ۱۴۵ و ۳۴۸)، الکافی کلینی (م. ۳۲۹ ق) (نک: ۱۴۰۷ ق، ۱: ۲۱۴-۲۱۵) و شواهد التنزیل حاکم الحسکانی (م. ۴۹۰ ق) (نک: بی تا، ۲: ۱۵۵ و ۱۵۸) قابل ردیابی می باشد.

۴. تحلیل سندی روایات

گفتنی است که در تحلیل اسنادی روایات، کیفیت سند از حیث پیوستگی و عدم پیوستگی آن و یا اجزاء سند و راویان آن، با استمداد از علم درایه و علم رجال مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. به بیان دیگر، واکاوی اسناد قول به معصوم (ع)، کیفیت صدور روایت از ایشان، وضعیت اتصال و انقطاع زنجیره راویان و بررسی اشتراک، تشابه و خلط صورت گرفته در رجال اسناد، جملگی موضوعاتی است که در نقد خارجی سند بدان پرداخته می شود (مولوی و همکاران، ۱۳۹۴ ش، ۱۰۴)؛ لذا با نظر به ضرورت بازشناخت سبک اتخاذی مولفان هریک از منابع در گزینش راویان و حتمیت تحلیل اسنادی روایات، طرق موجود از گزاره های هر دسته بر مبنای معیارهای نقد سنتی (رجال شناسی)، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. روایات دسته نخست

روایات موجود در این دسته با استقرار در ۳ منبع روایی اهل سنت و ۸ مصدر تفسیری آنان، بیشترین فراوانی از روایت مذکور را نمایان می سازد. تفسیر القرآن العظیم رازی، بحر العلوم سمرقندی، تفسیر ثعلبی، تفسیر بغوی و الکشاف زمخشری نیز در دسته حاضر، روایت را با ویژگی ارسال و یا فقدان سند، منعکس نموده اند. در این طیف از روایات، با لحاظ نمودن فراوانی اسناد، به ترتیب اُبو سعید الخدری، با ۵ طریق، کعب الأحبار، أسامه بن زید، عایشه، ابن عباس و قتاده هریک با طریقی متفاوت، در زمره راویانی به شمار می روند که غالب طرق بر آنان ختم شده است. اتفاق نظر رجالیون اهل سنت پیرامون تضعیف، تکذیب و تدلیس اُبوداود (ذهبی، بی تا، ۱: ۲۵۷)، اُبو شعیب (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ ق، ۴: ۴۳۴)، کعب الأحبار (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۲۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ۵: ۴۸۳) و ابن جریر (ابن حبان، ۱۳۹۳ ق، ۱: ۹۲) امری مبرهن بوده؛ به گونه ای که ضعف برخی از راویان در اسناد روایات، می تواند مغایرت مهم ترین معیارهای برخی از مؤلفان (نک: مبارکفوری، ۱۴۲۲ ق، ۱: ۳۵۰-۳۵۱) مبنی بر «وثاقت فرد فرد راویان» و به تبع آن، تنزل اعتبار این دست از منابع را اثبات نماید. سایر راویان حاضر در اسناد این دسته نیز جملگی از نگاه رجالیون محکوم بر وثاقت اند.

۴-۲. روایات دسته دوم

در این دسته از روایات نیز می‌توان نقل و گزارش احادیث مزبور را مجموعاً در ۱۱ مصدر پی‌جویی نمود. شواهد التنزیل در شمار تفاسیر متعبر روایی اهل سنت، با ذکر ۲ طریق، روایات دال بر اختصاص انحصاری وارثان برگزیده بر عترت پیامبر (ص) را منعکس نموده است. رجال موجود در طریق نخست (ابوبکر السیعی) جملگی توثیق شده و امامی مذهب‌اند (نک: حسکانی، بی‌تا، ۲: ۱۵۵؛ خویی، بی‌تا، ۱۷: ۱۲ و ۶: ۲۴۰ و ۱۴: ۱۰۱ و ۴: ۲۹۲).

همچنین علی بن عمر، محمد بن عبید، عبدالله بن ابی الدنیا، ابونعیم فضل بن دُکین، سفیان الثوری و السّدّیذیل دومین طریق (عقیل) در تألیف الحسکانی، توثیق شده‌اند (نک: ذهبی، بی‌تا، ۳: ۱۴۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ۹: ۳۲۲ و ۶: ۱۲ و ۸: ۲۷۰ و ۴: ۱۱۱ و ۱: ۳۱۳)؛ اما راویان نام‌برده خاستگاه روایت را به حوزه حدیثی - تفسیری اهل سنت باز می‌گردانند. همچنین طرق موجود در غایه المرام بحرانی نیز با وجود ارسال سند، به ترتیب به ابن عباس و ابن مردویه ختم شده است؛ لذا وجود عامل فوق (غیر امامی بودن روات) و نیز سکوت منابع رجالی، پیرامون سایر راویان، گزاره را محکوم بر ضعف نموده و از دایره روایات صحیح، موثق و حسن خارج می‌گردانند. تفسیر القمی، دعائم الاسلام مغربی و غایه المرام بحرانی نیز در دسته حاضر، روایت را با ویژگی ارسال و یا فقدان سند، منعکس نموده‌اند. توافق منابع رجالی شیعه پیرامون مدح علی بن فضال (نجاشی، ۱۴۳۱ق، ۷۸) و تضعیف، تکذیب و اختلاط عبد الرحمن بن کثیر (همان، ۲۲۵)، مُعلّی بن محمد (همان، ۴۰۰)، محمد بن جمهور (همان، ۳۲۲)، جعفر بن محمد بن مسرور (خویی، بی‌تا، ۵: ۹۰) و جابر بن یزید الجعفی (نجاشی، ۱۴۳۱ق، ۱۲۷) امری مبرهن بوده به گونه‌ای که ضعف برخی از راویان در طرق روایات، می‌تواند صحت اسنادی گزاره‌ها را با چالش جدی مواجه نماید.

۵. تحلیل و نقد دلالتی روایات تفسیری دال بر انگاره عمومیت وارثان

نکته قابل ذکر آن‌که، صرف ارزیابی اسنادی یا دلالتی یک گزاره، بدون نظر داشت بر نتایج حاصل از تحلیل توأمان سند و متن یک روایت، نمی‌توان رهاورد متقنی از نقد آن را ارائه نمود (ایزدی و کهکی، ۱۳۹۸ش، ۸۵). برای نمونه در پژوهش حاضر، اتکای صرف بر ارزیابی سندی روایات موجود در دسته دوم، فارغ از تحلیل دلالتی آن‌ها، نتیجه‌ای جز ضعف اسنادی پاره‌ای از روایات دال بر اختصاص انحصاری وارثان برگزیده بر عترت

پیامبر (ص) و در نهایت طرد رویکرد مزبور را در پی نخواهد داشت، حال آن که، صحت دلالی این دسته از روایات و نفی پنداره عمومیت وارثان - چنان که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد - با عرضه آن ها بر معیارهایی همچون قرآن کریم، سنت قطعی، دلائل استوار عقلی و ... قابل اثبات می باشد.

۵-۱. تعارض روایات با آیات قرآن کریم

در ابتدا باید دانست، آياتی که در آن به طهارت و هدایت یافتگی به مثابه دو خصیصه مهم برای وارثان کتاب، اشاره می کند و عترت پیامبر (ص) را، تنها مصادیق آن معرفی می کند، آیه «وَقُرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الاحزاب: ۳۳) می باشد. در تقویت این بحث قرآنی، می توان به فرازی از روایت امام رضا (ع) و مناظره ایشان با شماری از عالمان اهل سنت اشاره نمود. حضرت (ع) در رمزگشایی از دو ویژگی مذکور - در حکم پیش نیازهای قرآنی جهت اثبات مدعیان وراثت - و با استناد به شیوه تفسیر روایی (آیه تطهیر و حدیث ثقلین)، بر رویکرد غالب اهل سنت مبنی بر انگاره عمومیت وراثت، خط بطلان کشیده و مخالفت برداشت آنان با قرآن را تبیین می کند و می فرماید: «أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ وَقَعَتِ الْوَرَاثَةُ وَالطَّهَارَةُ عَلَى الْمُصْطَفَيْنِ الْمُهْتَدَيْنِ دُونَ سَائِرِهِمْ؟!» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۲۵)؛ آیا نمی دانید که وراثت و طهارت بر برگزیدگان اختصاص دارد نه سایرین؟

از ظاهر استدلال امام (ع) می توان دو نکته را برداشت نمود: نخست آن که، طهارت شرط فرد فرد اشخاص نام برده در حدیث ثقلین است و میان آنان و قرآن تا برپایی رستخیز، جدایی رخ نمی دهد. دوم، طهارت لازمه وراثت کتاب و سنت نبوی است و شخص غیر معصوم (ع) به سبب وجود لغزش، شایسته است که مورد هدایت قرار گرفته و لذا توارث در آنان منتفی خواهد بود (راد و همکاران، ۱۳۹۰ش، ۱۰۲). حضرت (ع) در ادامه بیانات خود، بر محوریت قرآن و نقش آن در تحلیل اندیشه ها - البته تا آن جا که بر قرآن محوری افراطی نینجامد - تأکید نموده (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۲۶) و با استناد بر پاره ای از آیات قرآن کریم نظیر «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (الحديد: ۲۶) و «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود: ۴۶) می فرمایند مسئله وراثت کتاب و نبوت

هر دو، بر هدايت يافتگان اختصاص دارد نه فاسقان. از سوى ديگر، امام (ع) با تمسك بر آيات مذكور، صرف روابط نسبى با پيامبر (ص) را به عنوان جواز وراثت قرآن، از توهّمات مرسوم دانسته و بيان مى كنند كه استعمال وصف «المُهتَدِينَ» براى موصوف خود «المُصْطَفِينَ»، محدوده مصاديق حقيقى وارثان را به درستي تعيين مى كند (همان). در حقيقت ايشان با استناد بر پرسش عالمان اهل سنت در مورد آيه ارث - تلويحا - گوشزد مى كند كه اگر از ارث برندگان از كتاب هستيد پس چگونه است كه بر مقصود از آياتش، آگاهى نداريد؟!

همچنين از آيه «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (النساء: ۸۳) به دست مى آيد كه استنباط صحيح از قرآن كريم تنها در انحصار اولي الامر است. خداوند متعال مى فرمايند كه قرآن نيازمند به استنباط مى باشد، بدين معنا كه تمام حقايق آن بر همگان واضح نيست؛ لذا آناني كه عبادِ مصطفى خدا بوده و توان استنباط را دارند، مى توانند تمامى محتوای موجود در قرآن را فهميده و در اختيار مردم قرار دهند (طباطبائي، ۱۳۹۰ق، ۵: ۲۲).

در پايان توجه به اين نكته نيز ضرورى است كه اگر مراد خداوند از «أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ» در آيه مورد بحث، به ارث بردن صفحات، واژگان، آيات قرآن و يا هدايت پذيرى از آن باشد، با اين تفاسير تمام مسلمانان و امت اسلامى - در اعصار مختلف - مصداق آن قرار گرفته و لذا تعبير «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا»، فاقد معنايى خاص خواهد بود. اين مطلب بر عاملان به دستورات قرآن با مراتب مختلف «ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ»، «مُقْتَصِدٌ» و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ»، نيز متصور است. بر اين اساس، افرادى مى توانند در محدوده برگزيدهگان قرار گيرند كه از لوازم و شرايط آن - همچون طهارت، هدايت يافتگى و وقوف كامل بر معارف ظاهرى و باطنى قرآن - برخوردار باشند كه با نظر به آيات پيش گفته، مصداق منحصر به فرد آن، تنها عترت پيامبر (ص) خواهد بود.

۵-۲. تعارض روايات با سنت و سيره معصومين (ع)

امامان (ع) به منظور ابطال نظريه عموميت وارثان قرآن، اغلب از دو شيوه «تلويح» و «تصريح» بهره جسته اند. به عبارت ديگر، روايات انتقادى معصومين (ع) و احصاء اشكالات موجود در نظريه مزبور از سوى حضرات (ع)، مصداقى است بر آن كه امام (ع) غير مستقيم، به مخالفت با مفاد انگاره عموميت پرداخته است. حال آن كه وجود روايات

صادره از امام رضا (ع) با تعبیر «لَا أَقُولُ كَمَا قَالُوا وَلَكِنْ أَقُولُ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِذَلِكَ الْعِثْرَةَ الطَّاهِرَةَ ... فَصَارَتِ الْوَرَاثَةُ لِلْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ لَا لِغَيْرِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۲۵؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۲۲۹)؛ به وضوح، بر نفی و ابطال پنداره عمومیت وارثان کتاب دلالت می‌کند؛ لذا با وجود اقدامات عترت نبوی به مثابه تحرکات مخالف با رویکرد مذکور، ادعای برخورداری از علوم کامل در فهم قرآن توسط سایرین، نقض خواهد شد. افزون بر آن‌که، جست‌وجو در منابع روایی و آثار تفسیری، مستند روایی معتبر از پیامبر (ص) در تأیید انگاره عمومیت را به دست نمی‌دهد. بی‌تردید، عصر معصومین (ع) می‌توانست به فرصتی بدل گردد که قائلان به این نظریه، در صورت مواجهه با منقولات معتبر، آن را مؤیدی بر اثبات ادعای خویش و نفی رویکرد اهل بیت (ع) اقامه کنند. حال آن‌که فقدان روایات قطعی در عصر معصومین (ع) نیز، بهترین گواه بر بطلان نظریه و اثبات تفسیر اجتهادی برخی اصحاب، از آیه مورد بحث می‌باشد.

در مقابل، طیف وسیعی از روایات صادره از معصومین (ع) را شاهد هستیم که در آن به تطبیق انحصاری وارثان برگزیده بر عترت پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند. برای نمونه، از امام باقر (ع) در پاسخ به پرسش دو نفر از اهالی بصره پیرامون شأن نزول آیه ۳۲ سوره فاطر روایت شده است: «كُنْتُ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ إِذْ أَتَاهُ رَجُلَانِ مِنَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَقَالَا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّا نُرِيدُ أَنْ نَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَقَالَ لَهُمَا اسْأَلَا عَمَّا جِئْتُمَا فَلَا أَخْبَرْنَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ إِلَى آخِرِ الْآيَتَيْنِ قَالَ نَزَلَتْ فِينَا أَهْلُ الْبَيْتِ ...»^۱ (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۱۰۵). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «نَزَلَتْ فِي حَقِّ ذُرِّيَّتِنَا خَاصَّةً»؛ این آیه خاصه در حق ما و ذریه ما نازل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۳: ۲۲۲).

همچنین از امام رضا (ع) در پاسخ به پرسش أحمد بن عمر مبنی بر آن‌که در تعبیر «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» مراد از الذین چه کسانی هستند، وارد شده است: «فَقَالَ وَلَدُ فَاطِمَةَ (ع)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۱۵). حضرت کاظم (ع) پس از تلاوت آیه فرمودند: «فَتَحْنُ الَّذِينَ اصْطَفَانَا اللَّهُ تَعَالَى عَزَّ وَجَلَّ وَ أَوْرَثْنَا هَذَا الْكِتَابَ فِيهِ

۱. ابوحفص از ثابت بن دینار ثمالی روایت کرده است که نزد امام باقر (ع) در مسجد الحرام نشسته بودم که دو فرد از اهالی بصره نزد حضرت (ع) آمده و عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا (ص) درباره مسئله‌ای از شما سؤال داریم. حضرت (ع) فرمود: هر چه می‌خواهید بپرسید. آنان در باره تفسیر دو آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَاءَتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا ...» پرسیدند. حضرت نیز فرمودند: این دو آیه در شأن ما اهل بیت (ع) نازل شده است.

تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۳۸). از امام حسن عسکری (ع) نیز روایت شده است: «ارث برندگان برگزیده قرآن کریم جملگی از آل پیامبر (ص) هستند» (همان). صاحب سعدالسعود، در تألیف خود به منابع بسیاری استناد می‌کند که در آن‌ها، روایات فراوانی در تأیید رویکرد اهل بیت (ع) قابل بازدید می‌باشد. برخی از مصادر نام برده از سوی ابن طائوس عبارت‌اند از: کتاب الفرق از شیخ صدوق به سند ایشان از امام صادق (ع)، کتاب الواحده ابن جمهور و الدلائل حمیری که حاوی روایات بسیاری از امام عسکری (ع) است و نیز کتاب الجامع صغیر یونس بن عبد الرحمن (مجلسی، ۴۰۳ق، ۲۳: ۲۱۹-۲۲۰؛ ملکی، ۱۳۹۸ش، ۱۳۶-۱۳۷).

از مجموع آن‌چه بیان گردید به دست می‌آید، که با نظر بر روایات صادره از اهل بیت (ع) و انعکاس آن در غالب مصادر روایی و تفسیری شیعه، به وضوح می‌توان نفی عمومیت وارثان و انطباق انحصاری آیه، بر عترت نبوی را دریافت نمود. به تعبیر دیگر، آیه مورد بحث در پژوهش حاضر، همچون آیات تطهیر، ولایت، مودت و ... ظرفیت تعمیم و انطباق بر سایرین - حتی با لحاظ پیوند نسبی با امامان (ع) - را نخواهد داشت. در اثبات مدعای فوق، بار دیگر می‌توان بر کلام گوهر بار امام رضا (ع) «لَا أَقُولُ كَمَا قَالُوا وَلَكِنْ أَقُولُ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِذَلِكَ الْعُتْرَةَ الظَّاهِرَةَ ... فَصَارَتْ الْوِرَاثَةُ لِلْعُتْرَةِ الظَّاهِرَةِ لَا لِغَيْرِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۲۵) استناد نمود.

حضرت (ع) در بخش آغازین مناظره خود، ادعای دانشمندان اهل تسنن، مبنی بر عمومیت وارثان کتاب را، ابطال داشته و با استعمال لام اختصاص و لای نافی، در تعبیر «لِلْعُتْرَةِ الظَّاهِرَةِ لَا لِغَيْرِهِمْ»، اختصاص انحصاری وراثت قرآن بر اهل بیت (ع) را اثبات می‌کنند. همچنین عبارت «أَقُولُ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِذَلِكَ»، دلالت بر قطع معصوم (ع) در تبیین مراد الهی دارد.

۳-۵. تعارض روایات با مسلمات عقلی

ارث بردن شخص وارث از هر چیزی - اعم از مادی و معنوی - به طور منطقی، اقتضای آن دارد تا فرد ارث‌برنده، شرایط و توانایی لازم جهت فراگیری و دارندگی ارث را داشته باشد؛ به گونه‌ای که وضعیت و توان مادی و معنوی شخص وارث پس از وراثت، با حال و شرایط او پیش از به ارث بردن شیء، تمایزات قابل توجهی یافته باشد (راد و همکاران، ۱۳۹۰ش، ۱۰۰؛ نک: تستری، ۱۳۶۷ش، ۱۶۷). بر این اساس، با فرض صحت این مطلب که عموم امت اسلامی و در رأس آنان، اصحاب پیامبر (ص) به مثابه شاخصه‌های علمی

روزگار خویش، وارثان قرآن کریم بوده‌اند، می‌بایست تاریخ چنان آنان را چهره می‌نمود تا احدی را توان ستیز با آنان نباشد، حال آن‌که به گزارش تاریخ، عترت پیامبر (ص)، وارثان و داعیه‌داران سرسخت قرآن کریم، معرفی شده‌اند.

لذا عدم احاطه کافی در فهم قرآن کریم را می‌توان اصلی‌ترین مانع مدعیان در مطالبه وراثت کتاب دانست. به بیان دیگر، فهم قرآن توسط عموم امت، به سبب عدم جامعیت و احاطه کافی آنان در فهم آیات، نیازمند رجوع به اهل بیت (ع) می‌باشد. بر این اساس، بطلان عدم جامعیت قرآن در پاسخگویی به نیازهای عصری، مورد اتفاق عموم امت بوده و لذا آنچه مفروض است عدم شایستگی آنان در دستیابی بر مقام وراثت است و مهم‌ترین دلیل بر آن نیز، عدم بهره‌امتی از دانشی جامع، در فهم آیات قرآن کریم می‌باشد. وضوح این دلیل تا حدی است که عقل و بینش آدمی نیز آن را درک و به درستی تأیید می‌کند. همچنین در پاره‌ای از روایات معصومین (ع) تلویحا به این مطلب اشاره شده است که وارثان حقیقی و برگزیده قرآن کریم، خود محل رجوع پرسش دیگران بوده‌اند. از آن جمله می‌توان به روایت ذیل استناد نمود:

«... أَنْ عَلَيَّا كَانَ أَوَّلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ غَيْرِهِ لِأَنَّهُ كَانَ أَخُوهُ [أَخَاهُ] فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لِأَنَّهُ حَازَ مِيرَاثَهُ وَ سِلَاحَهُ وَ مَتَاعَهُ وَ بَغْلَتَهُ الشَّهْبَاءَ وَ جَمِيعَ مَا تَرَكَ وَ وَرِثَ كِتَابَهُ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا وَ هُوَ الْقُرْآنُ كُلُّهُ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَ يُعَلِّمُ النَّاسَ مِنْ بَعْدِ النَّبِيِّ وَ لَمْ يُعَلِّمُهُ أَحَدٌ وَ كَانَ يُسْأَلُ وَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا عَنْ شَيْءٍ مِنْ دِينِ اللَّهِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۲: ۱۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۸: ۳۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۱۱؛ صدوق، ۱۳۸۵ش، ۱: ۸۹، ۵)؛ به راستی که علی (ع) از هر شخص دیگری به رسول (ص) نزدیک‌تر بود؛ زیرا او برادر [وصی] پیامبر (ص) در دنیا و آخرت است که میراث حضرت (ص)، سلاح، متاع، مرکب [شهباء]، تمامی ماترک ایشان و حتی کتاب رسول (ص) را پس از رحلتش به ارث برد؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: سپس این کتاب را به آن بندگان مان [که بر دیگران امت‌ها برگزیدیم به ارمغان دادیم و مراد از کتاب، قرآن است که تمامی آن بر رسول خدا (ص) نازل شد. و پس از ایشان، حضرت علی (ع) بود که بر مردم علم می‌آموخت؛ در حالی که شخصی بر وی چیزی نیاموخت. و او همواره مورد پرسش دیگران قرار می‌گرفت و حال آن‌که حضرت (ع) پیرامون مسئله‌ای از مسائل دین از احدی پرسش نکرد.

آن‌گونه که بیان شد، در فراز دوم روایت جهت اثبات ولایت حضرت علی (ع)، به آیه وراثت کتاب و موجودیت علم آن نزد حضرت (ع) اشاره شده که بیان می‌کند، ایشان

هماره مورد پرسش دیگران قرار می‌گرفت و حال آن‌که حضرت (ع)، پیرامون مسئله‌ای از مسائل دین از احدی پرسش نمی‌کردند و این مطلب به عترت نبوی به مثابه وارثان حقیقی قرآن کریم نظر دارد.

۶. نتیجه‌گیری

با نظر به جستارهای انجام پذیرفته در سند و محتوای روایات تفسیری منقول، پیرامون تعیین مصداق تام وارثان کتاب در منابع روایی - تفسیری فریقین، نتایج ذیل حاصل آمد:

۱- در آیه شریفه ۳۲ سوره فاطر، شاهد مطلبی فراتر از حفظ ظواهر این مصحف شریف هستیم و آن نیز، بحث از وراثت آیات و سور قرآن کریم، همراه با علم جامع به تمام معارف قرآن و سنت واقعه پیامبر (ص) به عترت نبوی است؛ لذا بر این اساس نمی‌توان نتیجه گرفت که تمامی علما و مومنین از امت اسلامی، مصداق تام تعبیر «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» قرار گیرند. از سوی دیگر این مطلب که از ورود هر شخصی به بهشت، تلقی به گزینش او برای مقام وراثت قرآن شود، امری ناصواب بوده و مفاد اصلی آیه وراثت، خارج از حیطه وصول به بهشت و یا عدم وصول به آن است.

۲- در مورد تعیین صحیح‌ترین مصداق از وارثان برگزیده قرآن در مجموع ۴۴ روایت (۱۸ روایت دال بر پنداره عمومیت و ۲۶ روایت دال بر انطباق انحصاری) بررسی شده است که از این میان، ۵ روایت از دسته نخست - پنداره عمومیت - متعلق به ابوسعید الخدری است و از این مسئله می‌توان نقش او را در بازنشر این قبیل از روایات نتیجه گرفت. با توجه به جامعیت و تعدد روایات ابوسعید در قیاس با سایر روایات، این احتمال تقویت می‌یابد که خاستگاه نقل این دسته از گزارش‌ها را، در دوره زیست وی بتوان جستجو نمود، به گونه‌ای که راویان پس از او، به نحوی در گسترش و بازنشر روایت نیز نقش آفرین بوده‌اند، به ویژه که در اسناد برخی از روایات، حضور راویان ضعیف و مجهول، خود مقوم این مطلب است.

۳- نکته دیگر آن‌که، از منابع بررسی شده در این پژوهش، روایات اهل سنت، جملگی در متون تفسیری - به استثنای سه مصدر روایی - نقل و منعکس شده، حال آن‌که روایات شیعی، نخست در مصادر متقدم حدیثی و پس از آن در منابع تفسیری ورود یافته است و این مطلب به وضوح، نشان از راه‌یابی این روایات از متون تفسیری به مصادر حدیثی دارد.

۴- روایات موجود در دسته نخست - انگاره عمومیت - بر اساس قواعد نقد حدیث

از جهات گوناگون قابل ارزیابی است؛ زیرا طیف وسیعی از طرق گردآوری شده از خلال منابع روایی- تفسیری عامه، اغلب از ضعف راویان، ارسال و یا فقدان اسناد رنج می‌برند. افزون بر آن که این دسته از روایات، حاوی مطالبی است که می‌توان به مغایرت آن‌ها با سنجه‌های نقد حدیث و در نهایت اضطراب متن گزاره‌ها اشاره نمود.

۵- همچنین با وجود خدشه‌هایی در اسناد روایات مؤید بر اختصاص انحصاری وراثت بر عترت نبوی؛ اما هم‌سویی محتوایی این دسته از گزاره‌ها با مفاد آیات قرآن کریم، روایات قطعی و مسلمات عقلی، موجبات پذیرش روایات این دسته را فراهم نموده است.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، حیدرآباد، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳ق.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین، الإصابه فی تمییز الصحابه، محقق و مصحح: عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
- ابن حنبل، احمد بن علی، المسند، محقق و مصحح: شعيب الأرناؤوط، بی‌جا، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، التفسیر القرآن العظیم، محقق و مصحح: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
- ایزدی، مهدی، و مهدی کهکی. "بازخوانی دلالت متنی و سندی حدیث «الْقُرْآنُ كُلُّهُ تَفْرِيعٌ وَبَاطِنُهُ تَقْرِيبٌ»". مطالعات فهم حدیث ۶، ۱۱ (۱۳۹۸ش): ۸۳-۱۰۰. doi:10.30479/mfh.2019.1815
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: بنیاد بعثت، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، غایه المرام، محقق و مصحح: علی عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۲ق.

بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، محقق و مصحح: عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۲۰ق.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، محقق و مصحح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۵ق.

تستری، نورالله، الصوارم المهرقه، محقق: سیدجلال الدین محدث، تهران، نهضت، ۱۳۶۷ش.
ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان، محقق و مصحح: الإمام محمد بن عاشور، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۲۲ق.

جوادی آملی، عبدالله، خلاصه تفسیر تسنیم، قم، اسراء، بی تا.
حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، بی جا، مؤسسه الطبع و النشر، بی تا.
خنیفر، حسین. "مقدمه‌ای بر روش پژوهش با رویکرد کاربردی به رساله‌نویسی در علوم انسانی".
روش‌شناسی علوم انسانی ۱۳، ۵۰ (۱۳۸۶ش): ۱۲۵-۱۵۶.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، بی جا، مؤسسه الخویی الاسلامیه، بی تا.
ذهبی، محمد بن احمد، تذکره الحفاظ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
راد، علی، و کاظم قاضی زاده. "بررسی دو نظریه درباره «وارثان برگزیده قرآن» (با تأکید بر احادیث امامیه)". علوم حدیث ۱۶، ۳ (۱۳۹۰ش): ۸۷-۱۱۱.

رازی، حسین بن علی (ابوالفتح)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
رازی، عبدالله بن محمد (ابن ابی حاتم)، تفسیر القرآن العظیم، محقق و مصحح: اسعد محمد الطیب، بی جا، مکتبه نزار، بی تا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، بی جا، بی تا.
سیوطی، عبدالرحمن درالمنثور، بیروت، دارالفکر، بی تا.

شفیعی، سیدحسین، و نادره رحیمی نژاد. "بررسی تطبیقی محورهای چالشی آیه «وارثان کتاب» با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله جواد آملی". مطالعات تفسیری تطبیقی ۷، ۱۴ (۱۴۰۱ش)، ۲۰۳-۱۸۴. doi:10.24765317.2023.7.2.11.6

صادقی، آذرمان. "مطالعه تطبیقی تفسیر آیه ۳۲ سوره مبارکه فاطر از منظر تفسیر المیزان و تفسیر التحریر و التنویر". دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم قرآنی، ۱۴۰۲ش.

صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.

صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، محقق و مصحح: مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.

صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ش.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، محقق و مصحح: احمد محمد شاکر، بی جا، مؤسسه الرساله، بی تا.

طوسی، محمد بن حسن، الثبانی فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

طیالسی، سلیمان بن داود، مسند ابی داود الطیالسی، محقق و مصحح: محمد بن عبدالمحسن التركي، مصر، دارالهجر، ۱۴۱۹ق.

عبدالله زاده، رقیه، معناشناسی ظالم لنفسه، مقتصد، سابق بالخیرات در قرآن و روایات، راهنمایی: امیر توحیدی،

پایان‌نامه کارشناسی اشد، دانشگاه آزاد: واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۰ش.

- فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمومنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، محقق و مصحح: حسین اعلی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق و مصحح: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، وزارت الثقافه و الإرشاد، ۱۴۱۰ق.
- مبارکفوری، عبدالسلام، سیره الامام البخاری، محقق: دکتور عبدالعلیم بن عبدالعظیم البستری، مکه مکرمه، دارالعلم الفوائد، ۱۴۲۲ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، محقق و مصحح: مرتضی عسکری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- محسنی، نادر، بررسی تطبیقی آموزه وراثت کتاب در قرآن از منظر تفاسیر فریقین با تکیه بر سیر تاریخی، راهنمایی: عبدالهادی مسعودی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف قرآن، ۱۳۹۷ش.
- مغربی، قاضی نعمان، دعائم الإسلام، محقق: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۸۵ق.
- مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۵ق.
- ملکی، سید مجتبی. "وارثان برگزیده از دیدگاه قرآن کریم (مطالعه موردی آیه ۳۲ سوره فاطر)". مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت ۲، ۴ (۱۳۹۸ش): ۱۲۷-۱۴۲. doi: 10.48310/qej.2020.3442
- مولائی نیا، عزت اله. "نقد دیدگاه مفسران عامه در وارثان برگزیده قرآن کریم". مطالعات تفسیری ۱۳، ۵۲ (۱۴۰۱ش): ۱۱۳-۱۳۰.
- مولوی، محمد، داود معماری، و مرضیه مهری ثابت. "روش ها و معیارهای نقد روایت در تفسیر فی ضلال القرآن". مطالعات فهم حدیث ۱، ۲ (۱۳۹۴ش): ۹۹-۱۲۵. doi: 10.30479/mfh.2015.1114
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، بیروت، شرکه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ق.